

بررسی نقش واسطه‌ای تفکر غیرسازنده و خودمهارگری در رابطه‌ی بین استرس

ادراک‌شده با سه‌گانه‌سیاه

The Study of Mediating Role of Destructive Thinking and Self-Control in Relationship between Perceived Stress and Dark Triad

zareei, abolfazl

gharibi, hamidreza

ghorbani, nima

Besharat, MohammadAli

زارعی، ابوالفضل^۱غریبی، حمیدرضا^۲قربانی، نیما^{۳*}بشارت، محمدعلی^۴

چکیده

Abstract

Research studies indicate a complex relationship between mental health, dark triad and self-awareness processes. The purpose of this study was to investigate the mediating role of non-constructive thinking and self-control in the relationship between perceived stress and dark triad among Shazand Petrochemicals. For this purpose, 250 supervisors and workers of Shazand petrochemical were selected randomly and the Dirty Dozen Dark Triad scale (DDDT), Perceived Stress Scale (PSS), Self-Control Scale (SCS) and Constructive Thinking Inventory Scale (nCTI) surveys were completed by them. The data was analyzed by using Pearson correlation and hierarchical regression coefficients. The initial results showed that correlation coefficient between DDDT, PSS, and destructive thinking was positive, while dark triad and self-control have negative correlation coefficient. Further results showed that in relation of perceived stress and dark triad, constructive thinking and self-control have mediating role. Also hierarchical regression analysis showed that self-control has more additive variance than destructive thinking. These indicate that working in stressful industrial workplaces results in low non-empathetic behaviors only if provided individuals have high self-control and apply less non-adaptive styles for thinking.

Keywords: Dark Triad, Perceived stress, Self-Control, non-Constructive Thinking, Mediating Role.

Contact

information:

Abolfazl.zareei@ut.ac.ir

مطالعات پژوهشی حاکی از رابطه‌ی پیچیده بین عوامل سلامت روان، سه‌گانه‌سیاه و فرآیندهای خودشناختی است. پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش واسطه‌ای تفکر غیر سازنده و خودمهارگری در رابطه‌ی بین استرس ادراک‌شده با سه‌گانه‌سیاه در بین کارمندان پتروشیمی شازند به‌اجرا درآمد. برای دستیابی به این هدف، پرسشنامه‌های سه‌گانه‌سیاه، استرس ادراک‌شده، خودمهارگری و تفکر غیرسازنده، در اختیار ۲۵۰ نفر از سرپرستان و کارگران پتروشیمی شازند اراک قرار گرفتند. یافته‌های اولیه از طریق ضریب همبستگی پیرسون نشان داد بین سه‌گانه‌سیاه، تفکر غیرسازنده و استرس ادراک‌شده رابطه‌ی مستقیم برقرار است، درحالی‌که بین سه‌گانه‌سیاه و خودمهارگری رابطه‌ی معکوس است. یافته‌ها حاکی از نقش واسطه‌ای خودمهارگری و سبک‌های ناسازگارانه تفکر در رابطه‌ی بین استرس ادراک‌شده و سه‌گانه‌سیاه است. همچنین تحلیل رگرسیون سلسه مراتبی نشان داد، خودمهارگری واریانس افزایشی بیشتری نسبت به تفکر ناسازگارانه داشته است. از این یافته‌ها می‌توان چنین استنباط کرد که کار در محیط پراسترس صنعتی تنها در صورتی می‌تواند به کاهش رفتارهای غیرممدلان‌های چون جامعه‌ستیزی و قدرت‌طلبی منجر شود که فرد از یکسو توان خودمهارگری بالایی داشته باشد و از دیگر سو کمتر از سبک‌های ناسازگارانه برای تفکر بهره جوید.

کلید واژگان: استرس ادراک‌شده، سه‌گانه‌سیاه، خودمهارگری، تفکر غیرسازنده، نقش واسطه‌ای.

^۱ کارشناسی ارشد، گروه روانشناسی بالینی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

abolfazl.zareei1992@yahoo.com

^۲ دانشجوی دکترا، گروه روانشناسی بالینی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

no7hamidreza@gmail.com

^۳ دکترای تخصصی، گروه روانشناسی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران

nima7cps@gmail.com

^۴ دکترای تخصصی، گروه روانشناسی دانشکده تهران

besharat2000@gmail.com

مقدمه

پژوهش‌ها نشان داده‌اند، استرس ادراک‌شده آثار منفی بر نتایج سازمانی (مانند خشونت در محل کار، غیبت و فرسودگی) وارد می‌آورد و ممکن است به بروز رفتارهای ضداجتماعی و غیراجتماعی منتهی شود (لواسانی و دیگران، ۱۳۹۵؛ پروی و همکاران، ۲۰۰۲). خودشیفتگی^۱، جامعه‌ستیزی^۲ و قدرت‌طلبی^۳ از جمله رفتارهای ضداجتماعی و غیراجتماعی در محیط سازمانی هستند که با استرس ادراک‌شده رابطه دارند (سابرامانیا^۴، ۲۰۰۹). در پژوهش‌ها از این سه سازه شخصیتی به‌عنوان «سه‌گانه‌سیاه»^۵ یاد شده که از نظر اجتماعی با نوعی فقدان همدلی مرتبطند (وائی و تیلیوپولوس^۶، ۲۰۱۰؛ روزنیوسکا و همکاران^۷، ۲۰۱۶؛ کوهن^۸، ۲۰۱۶). خودشیفتگی را می‌توان ظرفیت فرد برای حفظ یک تصویر خود مثبت در خلال خودنظم‌دهی، تنظیم عاطفه و فرآیندهای بین‌فردی متنوعی دانست که بر پایه نیاز فرد به تأیید و تحسین و نیز تلاش آشکار و ضمنی برای کسب تجارب بسط‌دهنده‌ی خود در محیط اجتماعی قرار دارد (روچی و پینکوس^۹، ۲۰۱۱). با تعریف خودشیفتگی به‌عنوان ترکیبی از شیوه‌های گسترش خود ناسازگار و نقص در نظم‌دهی به‌خود، هیجانات و رفتارها (پینکوس و همکاران، ۲۰۰۹)، می‌توان به‌نوعی دیگر از خودشیفتگی پی برد؛ خودشیفتگی آسیب‌پذیر^{۱۰} با تجارب خشم، پرخاشگری، درماندگی، تهی بودن، ارزش خود پایین، شرم، اجتناب از روابط بین‌فردی و خودکشی همراه است (بلیر و همکاران، ۲۰۱۷؛ پیکینسون و پینکوس، ۲۰۰۳؛ پینکوس و لوکوویتسکی، ۲۰۱۰؛ کاشانکی، قربانی و حاتمی، ۱۳۹۵؛ کائین و همکاران، ۲۰۰۸؛ رونینگستام، ۲۰۰۹). همچنین تحقیقات وجود ارزش خود ناپایدار منتج از نگرش‌های آسیب‌دیده یا خود شکننده را در افراد خودشیفته نشان داده‌اند (آقابابایی، تابیک و حاتمی، ۱۳۹۵؛ لوهتانن و کروکر^{۱۱}، ۲۰۰۵).

قدرت‌طلبی یکی از ویژگی شخصیتی است که به‌وسیله تزویر، عدم همدلی، سردی هیجانی، و استفاده از دیگران برای رسیدن به‌منافع و اهداف شخصی توصیف می‌شود (فهر و همکاران، ۱۹۹۲). کسانی که قدرت‌طلبی بالایی دارند، از نقطه‌ضعف دیگران برای رسیدن به‌سلطه و برتری بر آنان استفاده می‌کنند (بارلو و همکاران، ۲۰۱۰). آنها به‌صورت هیجانی درگیر دیگران نمی‌شوند و رفتار و نگرش آنان به‌دیگران همراه با بی‌تفاوتی و عدم همدلی است (عالی و کامورو-پرموزیک، ۲۰۱۰). آنها یک نگاه بدبینانه به‌جهان دارند و معتقدند بهتر است که دیگران را تحت نفوذ و سلطه خود داشته باشند (هارل، ۱۹۸۰). الگوهای ارتباطی افراد جامعه‌ستیز نیز همراه با ویران‌گری و تخریب دیگران است. جامعه‌ستیزی با تکان‌شگری بالا و گرایش به‌سمت بی‌پروایی و رفتارهای گستاخانه، و رفتارهای غیراخلاقی و حتی خشونت‌آمیز همراه است. ویژگی

1 narcissism

2 psychopath

3. Machiavellian

4 Subramaniam

5 Dark Triad

6 Wai & Tiliopoulos

7 Roczniowska, et al,

8 Cohen

9 Roche & Pincus

10. Vulnerable Narcissism

11 Luhtanen & Crocker

آسیب‌شناختی زیربنایی خودشیفتگی و قدرت‌طلبی نقص در همدلی است (کایزو و فالکتباچ، ۲۰۰۸؛ لویز و همکاران، ۲۰۱۷؛ ماهموت و همکاران، ۲۰۰۸). رفتارهای مخربی که ناشی از سه‌گانه‌سیاه هستند، تحت تأثیر محیط کاری پراسترس، رو به‌فزونی می‌گذارند. اما به‌هر حال کار کردن در محیط‌های صنعتی، ناگزیر، استرس زیادی به‌فرد وارد می‌آورد (جوشوا و همکاران^۱، ۲۰۱۷؛ ناکاس و همکاران^۲، ۲۰۱۷).

گروهی از صاحب‌نظران رفتار سازمانی، استرس را یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در افت عملکرد و تغییر رفتار کارکنان مطرح کرده‌اند، چراکه نیروی انسانی در محیط شغلی خود بیش از هر زمان دیگری در معرض عوامل استرس‌زا قرار گرفته و مشکلات او را احاطه می‌کنند (شکوهی یکتا، اکبری، علوی‌نژاد و اناری، ۱۳۹۵). این موضوع به‌ویژه برای محیط‌های صنعتی مانند پالایشگاه‌ها، نیروگاه‌ها و پتروشیمی‌ها بسیار جدی‌تر است. بررسی‌های انجام‌شده در مورد استرس، بر شدت و تعداد وقایع استرس‌زایی که فرد تجربه می‌کند، واکنش وی در مواجهه با استرس و میزان ارزیابی فرد از استرس‌زا بودن موقعیت‌ها تمرکز داشتند که ماحصل این پژوهش‌ها معرفی سازه‌ای به‌عنوان استرس ادراک‌شده^۳ است (ورکوئیل و همکاران^۴، ۲۰۰۹). استرس ادراک‌شده اشاره به‌باور فرد در زمینه میزان جدی بودن استرس دارد. استرس ادراک‌شده عبارت است از واکنش بدن به‌تغییری که مستلزم سازگاری یا پاسخ جسمی، ذهنی یا هیجانی است که می‌تواند به‌وسیله هر عامل یا محرک تنش‌زا ایجاد شود (لائیبرد و همکاران، ۲۰۱۱).

آن‌چنان که پیش از این گفته شد، پژوهش‌های متعددی بر رابطه‌ی مستقیم سه‌گانه‌سیاه و استرس ادراک‌شده صحه گذاشته‌اند. لذا بحث درباره این‌که این استرس ادراک‌شده توسط افراد به‌واسطه چه متغیرهای روان‌شناختی دیگری می‌تواند به‌رفتارهای ماکیاولیستی، جامعه‌ستیز و خودمحوارانه منجر شود. اهمیتی بسیار دارد، چرا که می‌توان بدین‌طریق به‌جای استفاده از توصیه‌های اخلاقی برای کاهش چنین رفتارهایی، عملاً مداخلات روان‌شناختی را در سطح سازمانی به‌عمل آورد، و بدین‌ترتیب نرخ بروز چنین رفتارهایی را کاهش داد. در این میان پژوهش‌های متعدد بر نقش خودمهارگری و تفکر سازنده به‌عنوان متغیرهای واسطه‌ای تأکید کرده‌اند. این پژوهش نیز درواقع با هدف مطالعه نقش واسطه‌ای این سازه‌ها به‌اجرا درآمده است.

تفکر سازنده^۵ نیز یکی دیگر از متغیرهای پژوهش حاضر است که از مفهوم گسترده‌تر سبک‌شناختی^۶ آمده است. وینکین در سال ۱۹۶۲ تا ۱۹۹۷ برای نخستین بار الگوی سبک‌شناختی را مطرح ساخت که مشتمل بر دو سبک وابسته به‌زمینه و مستقل از زمینه است و تأثیر زمینه را در قضاوت‌های ادراکی افراد بررسی کرد. بعد از آن محققان تقسیم‌بندی‌های مختلفی از سبک‌شناختی را ارائه کردند، از جمله اپستین و مایر (۱۹۸۹)، روی‌کرد جدیدی تحت عنوان سبک‌شناختی تفکر سازنده ارائه کرده‌اند.

اپستین و مایر تفکر سازنده را به‌عنوان یک سازه هفت بعدی در نظر می‌گیرند که ابعاد آن عبارت‌اند از:

۱) تفکر کلی سازنده؛ ارزیابی توانایی مقابله با مشکلات است. این مقوله دوقطبی بوده و تفکر را در دو بعد سازنده (مقابله عاطفی و رفتاری) و ضعیف (تفکر طبقه‌بندی‌شده و خرافاتی و اسرارآمیز) موردبررسی قرار می‌دهد.

1 Joshua, et al

2 Nakas, et al

1. Perceive Stress

4 Verkuil, et al,

5. Constructive thinking

6. Cognitive style

بررسی نقش واسطه‌ای تفکر غیرسازنده...

- ۲) مقابله عاطفی با مشکلات؛ به‌ارزیابی میزان پذیرش خود، عدم تعمیم دادن منفی، عدم حساسیت، عدم تفکر در خصوص تجربیات ناخوشایند گذشته می‌پردازد.
- ۳) مقابله رفتاری با مشکلات؛ شامل تفکر مثبت، تشخیص موقعیت عملکردها و وظیفه‌شناسی می‌شود.
- ۴) تفکر طبقه‌بندی‌شده؛ به‌ارزیابی تفکر دوقطبی، عدم اطمینان به‌دیگران و عدم تحمل می‌پردازد.
- ۵) تفکر خرافاتی؛ یک مقیاس متجانس در مورد وجود خرافات شخصی است.
- ۶) تفکر اسرارآمیز؛ به‌اعتقادات فرد در خصوص پدیده‌های نامفهوم و پرسش‌برانگیز و تفکر ظاهری مربوط می‌شود، از قبیل اعتقاد به خرافات سنتی و قدیمی، سحر و جادو و طالع‌بینی.
- ۷) خوش‌بینی ساده‌لوحانه؛ به‌سنجش خوش‌بینی غیرواقع‌بینانه، تفکر کلیشه‌ای و تفکر حقارت‌آمیز می‌پردازد (بورن و فدوا، ۲۰۰۵).

مقیاس کلی تفکر سازنده یک مقیاس دوقطبی بوده که متشکل از آیتم‌هایی از تمامی شش مقیاس اصلی، به‌استثنای مقیاس خوش‌بینی ساده‌لوحانه است. علت عدم ارتباط مقیاس خوش‌بینی ساده‌لوحانه به تفکر سازنده این است که جنبه منفی این تفکر (تفکر غیرواقع‌بینانه) جنبه مثبت آن را (تفکر مثبت) خنثی می‌کند. متفکرانی که از تفکر کلی سازنده بهره‌مند هستند، چشم‌انداز مثبتی را از زندگی خود می‌بینند و در زندگی خود هدف و مسیر مشخصی را در نظر می‌گیرند. این افراد تجربیات گذشته خود را تعمیم می‌دهند، چه تجربیات مثبت و چه تجربیات منفی. آنها ارزش خود را بالاتر از حد واقعی یا پایین‌تر از حد واقعی در نظر نمی‌گیرند و به‌جای متوسل شدن به افراد خرافی، از اعتماد به نفس بالا برای مواجهه با ابهامات حقیقی برخوردارند. این افراد عملکردی مبتنی بر حل مشکلات به‌وجود آمده دارند، نه عملکردی قضاوتی و به‌جای برچسب زدن به انسان‌ها به دنبال راه‌حل کارساز هستند. از همه مهم‌تر این افراد از جمله متفکران انعطاف‌پذیر هستند. آنها تفکر خود را با موقعیت‌های خود سازش می‌دهند و می‌توانند جنبه‌های تاریک و روشن مسائل را ببینند. اما این افراد از آنجایی که انتخاب‌هایی معقول و مساوی دارند، جنبه مثبت و روشن را بیشتر انتخاب می‌کنند زیرا این کار باعث می‌شود خودشان و دیگران احساس خوبی داشته باشند (اپشتاین، ۱۹۹۸).

اگر تفکر سازنده مطلوب به دلیل این که کارآمد است استوار باقی می‌ماند، ممکن است این‌گونه تصور شود که تفکر غیرسازنده نمی‌تواند خود را پایدار نگه دارد. با آن‌همه اگر بعضی چیزها کارآمد نیستند پس چرا از بین نمی‌روند؟ به‌طرز شگفت‌آوری، شواهدی وجود دارد مبنی بر این که تفکر غیرسازنده به‌همان استواری تفکر سازنده از خود نگاه‌داری می‌کند، حتی شاید بیشتر از آن. همان‌طور که مارتین سلیگمن، زمانی که پایداری سبک‌های تبیینی افراد- یعنی نحوه‌ای که افراد نتایج وقایع را تفسیر می‌کنند، بررسی می‌کرد، این مسئله را دریافت. افراد با سبک‌های تبیینی مطلوب تمایل به نسبت دادن نتایج خوب به‌صفت‌های شخصیتی خود تاب‌آوری مثل شایستگی، هوش، و پشت‌کار و نتایج بد را به عوامل بیرونی مثل شانس و اشتباهات دیگران دارند. اگر در یک امتحان شکست بخورند، بیشتر احتمال دارد که بگویند روز بدی داشته‌اند یا امتحانی بود که بد طراحی شده تا این که بگویند اساساً نالایق هستند. افراد با سبک‌های تبیینی نامطلوب درست برعکس عمل می‌کنند. آنها نقاط ضعفشان را به‌خاطر شکست‌هایشان سرزنش می‌کنند؛ اما به‌خود مهلت موفقیت نمی‌دهند. برای مثال، بیشتر احتمال دارد که نمره خوب در یک امتحان را به‌شانس بد نسبت دهند تا این که نتیجه بد را

به‌شانس نسبت دهند (اپشتاین و میر^۱، ۱۹۸۹).

ظرفیت خودمهارگری برای بازداری از تکانه‌های ضداجتماعی و سازگاری با خواسته‌های زندگی اجتماعی، نشان از زندگی متمدانه دارد (تانگنی و همکاران^۲، ۲۰۰۴). ظرفیت بالای خودمهارگری، باید به شکل نیرومندی سازگاران باشد و باید افراد را قادر سازد تا شادتر و سالم‌تر زندگی کنند. تفاوت‌های فردی مهمی در ظرفیت خودمهارگری برای افراد وجود دارد (بشارت و فیاض، ۱۳۹۲). خودمهارگری به شکل گسترده‌ای به‌عنوان ظرفیت تغییر و سازگار کردن خود، برای ایجاد یک تناسب بهینه‌تر و بهتر بین خود و جهان است (تانگنی و همکاران، ۲۰۰۴) خودمهارگری باید در ایجاد یک دامنه وسیعی از نتایج مثبت زندگی نقش داشته باشد. مطالعاتی اثر خودمهارگری را در محل کار بررسی کرده و به‌این نتیجه رسیده‌اند که افراد با خودمهارگری بالا بیشترین مهارت اجتماعی را دارند، از این‌رو، کارهایی مثل فروشندگی و پست‌های مدیریت را انتخاب می‌کنند (بشارت، دهقانی، مسعودی، پورخاقان و مطهری، ۱۳۹۳). به‌نظر اشنايدر بالا یا پایین بودن خودمهارگری در افراد به تفاوت در نگرش، رفتار، ادراکات و باورها بستگی دارد (کومرا و تامپسون^۳، ۲۰۰۳) (2003). افراد با خودمهارگری بالا در محیط شغلی، نسبت به دیگر افراد، پرخاشگری کمتری دارند (Latham & Perlow, 1996; Tangney, et al, 2004؛ اعتباریان و پورولی، ۱۳۸۷). اهمیت این پژوهش در این است که افزایش رفتارهای غیراجتماعی و ضداجتماعی در این قشر و پایین بودن توان کنترل در آنها، به‌ویژه در محیط شغلی، نه تنها می‌تواند مخاطراتی جدی برای سلامت روان به‌دنبال داشته باشد، بلکه حتی می‌تواند احتمال بروز حادثه را نیز افزایش دهد. در نتیجه هدف این پژوهش بررسی این موضوع است که چه متغیرهایی کمک می‌کنند که آنها خود را بهتر کنترل کنند و فرض بر این است که آنها در شرایط پراسترس کمتر قادر به کنترل خود هستند. بنابراین فرضیه‌ها و سؤال اصلی پژوهش این‌چنین قابل طرح است:

فرضیه اول: بین سه‌گانه‌سیاه، استرس ادراک‌شده، و تفکر غیرسازنده رابطه‌ی مستقیم و بین این سه متغیر و خودمهارگری رابطه‌ی معکوس برقرار است.

فرضیه دوم: خودمهارگری و تفکر غیرسازنده در رابطه‌ی بین استرس ادراک‌شده و سه‌گانه‌سیاه نقش واسطه‌ای دارند.

علاوه بر این، پژوهش حاضر با هدف پاسخ به این سؤال به‌اجرا درآمد که بین خودمهارگری و تفکر غیرسازنده کدام‌یک در رابطه‌ی بین استرس ادراک‌شده و سه‌گانه‌سیاه از واریانس افزایشی بیشتری برخوردار است؟

روش تحقیق

این پژوهش در قالب روش همبستگی به‌اراء درآمد. جامعه نمونه این پژوهش شامل کلیه کارکنان شرکت پتروشیمی شازند اراک بود، که از بین آنها ۲۵۰ نفر به‌عنوان نمونه، پرسشنامه‌های سه‌گانه‌سیاه، استرس ادراک‌شده، خودمهارگری و تفکر غیرسازنده را پاسخ دادند. به‌منظور گردآوری داده‌ها، پرسشنامه‌ها در مکان استراحت کارکنان قرار داده شد و از آنها خواسته شد به‌مدت نیم ساعت در مکان حضور داشته و

1 Epstein & Meier

2 Tangney, et al

3 Kumru & Thompson,

به پرسشنامه‌های پژوهش پاسخ دهند. لذا تنها افرادی که داوطلب شرکت در پژوهش بودند، به پرسشنامه‌ها پاسخ دادند. این فرآیند تا زمانی که تعداد پرسشنامه‌های پر شده به ۲۵۰ نفر رسید، ادامه داشت. به منظور تحلیل داده‌ها از ضریب همبستگی و رگرسیون سلسله مراتبی استفاده شد. میزان تحصیلات حداقل دیپلم و حداکثر فوق لیسانس و نیز عدم مراجعه به روان‌پزشک یا روان‌شناس طی یک سال گذشته، از ملاک‌های ورود به آزمون و پر کردن پرسشنامه‌های فوق از ملاک‌های خروج از آزمون در نظر گرفته شد.

ابزارهای پژوهش:

پرسشنامه سه‌گانه سیاه: این پرسشنامه توسط جانسون و وبستر (۲۰۱۰)، برای بررسی سه صفت سیاه شخصیت یعنی جامعه‌ستیزی، خودشیفتگی و قدرت‌طلبی طراحی شده، شامل ۱۲ گویه است که برای هر صفت ۴ گویه در نظر گرفته شده و گویه‌ها نیز بر اساس طیف لیکرت ۷ تایی نمره‌گذاری می‌شوند (جانسون و وبستر^۱، ۲۰۱۰). آقابابایی، محمدتبار و صفاری (۲۰۱۴)، ضریب آلفای کرونباخ این پرسشنامه را ۰/۸۹ محاسبه کردند. ضریب آلفای کرونباخ این مقیاس در پژوهش حاضر ۰/۸۳ به دست آمده است (آقابابایی و همکاران، ۲۰۱۴).

مقیاس استرس ادراک شده: این مقیاس ۱۴ ماده‌ای در قالب طیف لیکرت ۵ تایی میزان استرسی را که شخص در طول یک ماه گذشته در زندگی خود تجربه کرده، مورد سنجش قرار می‌دهد و توسط کوهن، کامارک و مرمستین (۱۹۸۳)، ساخته شده است (کوهن و همکاران، ۱۹۸۳). مقیاس یادشده توسط قربانی، واتسن و هارگیس (۲۰۰۸)، در پژوهشی بین فرهنگی به کار رفته که در آن برای آزمودنی‌های ایرانی ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۱ و برای آزمودنی‌های ایالات متحده ۰/۸۶ به دست آمده است. ضریب آلفای کرونباخ این مقیاس در پژوهش حاضر ۰/۶۱ به دست آمده است (قربانی و همکاران، ۲۰۰۸).

فرم کوتاه مقیاس خودمهارگری (تانگنی و دیگران، ۲۰۰۴): این مقیاس را تانگنی و دیگران (۲۰۰۴) در دو قالب بلند (۳۶) و کوتاه (۱۳) ساخته شده است. مقیاس خودمهارگری به کار رفته در این مطالعه شامل ۱۳ ماده است که مشارکت‌کنندگان در طیف لیکرت ۵ درجه‌ای به آن پاسخ می‌دهند. همسانی درونی این مقیاس در دو مطالعه جداگانه به ترتیب ۰/۸۳ و ۰/۸۹ گزارش شده است (تانگنی، ۲۰۰۴). ضریب آلفای کرونباخ این مقیاس در ایران در پژوهش قربانی، رضازاده و کانینگهام^۲ (۲۰۱۰) ۰/۸۰ و در پژوهش حاضر ۰/۷۷ به دست آمده که حاکی از همسانی درونی بالای آن است (قربانی و همکاران، ۲۰۱۰).

تفکر سازنده: این مقیاس توسط اپستین و میر در سال ۱۹۸۹ تدوین شد که شامل ۳۰ گویه و ۶ خرده‌مقیاس و یک نمره کلی، در قالب طیف لیکرت ۵ تایی است. خرده‌مقیاس‌های آن عبارت‌اند از: سبک عاطفی مقابله با مشکلات، سبک رفتاری مقابله با مشکلات، تفکر گروه‌بندی شده، تفکر شخصی خرافاتی، تفکر اسرارآمیز، خوش‌بینی ساده‌لوحانه و تفکر کلی سازنده (که از مجموع تمامی نمرات به استثنای نمرات مقیاس خوش‌بینی ساده‌لوحانه به دست می‌آید). ضریب آلفای کرونباخ برای مقیاس اصلی یعنی تفکر کلی سازنده ۰/۸۶، و برای زیر مقیاس‌های مقابله عاطفی، مقابله رفتاری، تفکر گروه‌بندی شده، تفکر شخصی خرافاتی، تفکر خوش‌بینی ساده‌لوحانه، و تفکر اسرارآمیز، به ترتیب ۰/۸۸، ۰/۷۶، ۰/۷۵، ۰/۷۶، ۰/۷۶ و ۰/۷۶ گزارش شده

1 Jonason & Webster

2 Cunningham, C.J.L.

است. ضریب آلفای کرومباخ این مقیاس در نمونه ایرانی ۰/۶۴ گزارش شده (کاکاوند، لبادی و زارعی، ۱۳۸۵). در این پژوهش با توجه به غیرسازگاران بودن متغیر ملاک (سه گانه سیاه) از مانگین نمرات فرد در چهار زیرمقیاس «تفکر طبقه بندی شده، تفکر خرافاتی، تفکر اسرار آمیز، و خوش بینی ساده لوحانه» به عنوان تفکر غیرسازنده بهره بردیم. بدین ترتیب مقدار آلفای کرومباخ برای این سازه معادل با ۰/۶۹ به دست آمد.

نتایج

تعداد کل شرکت کنندگان ۲۵۰ نفر بوده اند و رده سنی خود را بین ۲۲ تا ۵۸ سال گزارش کرده اند، که بیشتر آنها (حدود ۷۵٪) کمتر از ۴۵ سال سن داشته اند. لازم به توضیح است که میانگین و انحراف معیار سنی شرکت کنندگان به ترتیب برابر با ۳۸/۴۳ و ۸/۶ به دست آمد. همچنین از ۲۵۰ نفر شرکت کننده در پژوهش ۴۸ نفر (۱۹٪) مجرد و ۱۹۶ نفر (۷۹٪) متأهل بوده و ۶ نفر نیز وضعیت تأهل خود را اعلام نکرده بودند. در مورد جنسیت نیز، ۲۱ زن (۸٪) و ۲۲۳ مرد (۸۹٪) در پژوهش حاضر شرکت کرده اند. این در حالی است که ۶ نفر (۳٪) نیز جنسیت خود را اعلام نکرده اند. در نتیجه بخش اعظم شرکت کنندگان در پژوهش یعنی بیش از ۹۰٪ از آنها را مردان تشکیل می دهند. سطح تحصیلی ۲۵۰ شرکت کننده این پژوهش بین دیپلم تا فوق لیسانس در نوسان است و بخش اعظم شرکت کنندگان (۸۶٪) مقطع تحصیلی خود را کمتر از فوق لیسانس عنوان داشته اند.

پیش از هر چیز ضریب همبستگی بین متغیرهای پژوهش محاسبه گردید که در نتیجه سه گانه سیاه با خودمهارگری ($r = -0.34, p < 0.01$)، رابطه ی معکوس و با استرس ادراک شده ($r = 0.23, p < 0.01$) و تفکر غیرسازنده ($r = 0.26, p < 0.01$) رابطه ی مستقیم دارد. بدین ترتیب فرضیه اول پژوهش مورد تأیید قرار می گیرد.

برای آزمون فرضیه دوم از تحلیل رگرسیون سلسله مراتبی استفاده شد. در مدل اول نمره حاصل از مقیاس «سه گانه سیاه» به عنوان متغیر وابسته و نمره حاصل از «استرس ادراک شده» به عنوان متغیر مستقل وارد تحلیل شدند. در مدل دوم «خودمهارگری» و در مدل سوم «تفکر غیرسازنده» به متغیرهای مستقل اضافه گردید. یافته های این تحلیل حاکی از آن است که در مدل دوم با ورود خودمهارگری به تحلیل رگرسیون، درصد تبیین واریانس از ۵٪ به ۱۳٪ افزایش یافت. با ورود تفکر غیرسازنده، درصد تبیین واریانس از ۱۳٪ (مدل دوم) به ۱۶٪ (مدل سوم) رسید.

بر اساس مقایسه مقادیر p مربوط به هر یک از متغیرهای پیش بین، پس از ورود «خودمهارگری و تفکر غیرسازنده» به مدل تحلیل رگرسیونی، «استرس ادراک شده» دیگر نمی تواند به عنوان متغیر پیش بین مورد توجه قرار گیرد ($t = 1.10, p > 0.05$). در نتیجه در واقع تأثیر متغیر «استرس ادراک شده» که در مدل اول نشان داده شده است، خود را از طریق و به واسطه متغیرهای «خودمهارگری و تفکر غیرسازنده» بر روی «سه گانه سیاه» اعمال می کند. در نتیجه فرضیه دوم تحقیق مبنی بر اینکه «خودمهارگری و تفکر غیرسازنده نقش واسطه ای در رابطه ی بین استرس ادراک شده و سه گانه سیاه دارند» مورد تأیید قرار می گیرد.

جدول ۱. ضرایب رگرسیونی مربوط به فرضیه دوم (مستقل ۱: استرس ادراک شده ۲: استرس ادراک شده، خودمهارگری ۳: استرس ادراک شده، خودمهارگری و تفکر غیرسازنده، وابسته: سه گانه سیاه)

متغیر مستقل	B	SE	Beta	t	p
مدل ۱					
مقدار ثابت	۱۹/۵۰	۴/۰۱	---	۴/۷۵	۰/۰۰
استرس ادراک شده	-۰/۴۱	۰/۱۱	-۰/۲۳	۳/۶۲	۰/۰۰
مدل ۲					
مقدار ثابت	۵۴/۲۲	۹/۷۰	---	۵/۵۹	۰/۰۰
استرس ادراک شده	-۰/۱۴	۰/۱۳	۰/۰۸	۱/۱۵	۰/۲۵
خودمهارگری	-۰/۴۱	۰/۱۲	-۰/۲۷	-۳/۵۰	۰/۰۰
مدل ۳					
مقدار ثابت	۳۸/۰۳	۱۱/۱۴	---	۳/۴۱	۰/۰۰
استرس ادراک شده	-۰/۱۴	۰/۱۲	۰/۰۸	۱/۱۰	۰/۲۷
خودمهارگری	-۰/۳۸	۰/۱۲	-۰/۲۴	-۳/۲۵	۰/۰۰
تفکر غیرسازنده	-۰/۲۱	۰/۰۷	۰/۱۸	۲/۸۳	۰/۰۰

لازم به توضیح است که با ورود «خودمهارگری» به عنوان متغیر پیش‌بین ثانویه درصد تبیین واریانس ۸ درصد ($p < ۰/۰۱$) افزایش می‌یابد. اما با ورود «تفکر غیرسازنده» شاهد افزایش ۳ درصدی ($p < ۰/۰۱$) تبیین واریانس هستیم. در نتیجه در پاسخ به سؤال پژوهش می‌توان گفت «خودمهارگری» نسبت به «تفکر غیرسازنده» از واریانس افزایشی بیشتری برخوردار است. جدول شماره ۲ این یافته‌ها را نشان می‌دهد.

جدول ۲. آزمون معناداری مدل‌های ۱، ۲ و ۳ (مستقل ۱: استرس ادراک شده ۲: استرس ادراک شده، خودمهارگری ۳: استرس ادراک شده، خودمهارگری و تفکر غیرسازنده، وابسته: سه گانه سیاه)

متغیرهای مستقل	R	R ²	R ² تعدیل شده	تفاضل R ² ها	تغییر F	P
مدل ۱	۰/۲۳	۰/۰۵	۰/۰۵	۰/۰۵	۱۳/۰۸	۰/۰۰
مدل ۲	۰/۳۶	۰/۱۳	۰/۱۱	۰/۰۸	۶/۹۲	۰/۰۰
مدل ۳	۰/۴۰	۰/۱۶	۰/۱۴	۰/۰۳	۸/۴۹	۰/۰۰

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش با نتایج مطالعات صورت‌گرفته در زمینه‌ی نقش خودمهارگری در پیش‌بینی رفتارهای مجرمانه و خطرناکی که به‌وفور در شخصیت‌های دارای ویژگی‌های سه‌گانه سیاه دیده می‌شود، همسو است (چاشوا و استیون، ۲۰۱۷). بررسی‌ها نشان می‌دهد خودمهارگری با کاهش رفتار مجرمانه، توانایی مقاومت در برابر تکانه‌های پرخاشگرانه در افراد پرخاشگر، کاهش رفتار ضداجتماعی و آسیب روانی ارتباط دارد و خودمهارگری پایین، مصرف بالاتر الکل را در بزرگسالی در پی دارد (بلیر و همکاران^۱، ۲۰۱۷؛ جانسون و

توست^۱، ۲۰۱۰؛ جینو و همکاران^۲، ۲۰۱۱؛ دنسون و همکاران^۳، ۲۰۱۱؛ کاورسی و همکاران^۴، ۲۰۱۰؛ لایبرد و همکاران^۵، ۲۰۱۱؛ میرحسینی و دیگران^۶، ۱۳۹۵). همچنین مطالعات دیگر نشان داد که خودمهارگری پیروی از قوانین، قواعد اخلاقی و هنجارهای اجتماعی را تسهیل می‌کند و پیامدهایی از قبیل سلامت روانی بهتر و مهارت‌های انطباقی مؤثرتر، کاهش پرخاشگری، عملکرد تحصیلی بهتر و آسیب‌پذیری کمتر در برابر سوءاستفاده از الکل، جرم و اختلال‌های خوردن به دنبال دارد (دوکورث و سلیگمن، ۲۰۰۶؛ کوهن، ۲۰۱۶). مطالعه موراون^۷ (۲۰۰۸)، نیز نشان داد که خودمهارگری با کاهش پرخاشگری و رفتار مجرمانه، سازگاری روان‌شناختی، سلامت روانی، عملکرد تحصیلی، روابط بین‌شخصی بهتر و مشکلات کنترل تکانه و مسائل مالی کمتر همراه است.

نقش واسطه‌ای خودمهارگری در رابطه‌ی بین استرس ادراک‌شده و سه‌گانه‌سیاه از این جهت قابل تبیین است که تحقیقات پیشین بر تکانش‌پذیری بالا و ظرفیت اندک برای نومی‌دی در افراد با نمره بالا در جامعه‌سنجی و قدرت‌طلبی در هنگام رویارویی با استرس تأکید کرده‌اند. برای مثال شواهد پژوهشی، نشان دادند که به‌علت تکانش‌پذیری بالاتر در افراد دارای نمره بالا در جامعه‌سنجی، شاهد ارتباط بین جامعه‌سنجی و استرس خواهیم بود (لوپز و همکاران^۸، ۲۰۱۷؛ نوسر و همکاران^۹، ۲۰۱۴). دیگر شواهد پژوهشی، نیز حاکی از آن است که قدرت‌طلبی با پاسخ‌های استرس و ادراک استرس رابطه‌ی مثبت معنادار دارد. از این رو افراد با خودمهارگری بالاتر به‌علت توانایی بیشتر در کنترل تکانه، هنگام رویارویی با شرایط استرس‌زا قادرند که از ظرفیت خود برای کنار آمدن با شرایط استفاده کرده و به‌دام خصایص ناسازگار شخصیتی نظیر خودشیفتگی، جامعه‌سنجی و قدرت‌طلبی نیفتند (روکزینوسکا و ریچاردسون، ۲۰۱۶؛ روکزینوسکا و بوآگ، ۲۰۱۶). هاریسون و دیگران^{۱۰} (۲۰۱۷)، نیز در پژوهشی اثرات سه‌گانه‌سیاه را بر رفتارهای غیر اخلاقی بررسی کردند و به‌این نتیجه دست یافتند که عناصر سه‌گانه تاریک در کنار یکدیگر به‌عنوان روی‌کردهای قوی روان‌شناختی موجب رفتارهای ضد اجتماعی و استرس‌زا می‌شوند (هاریسون و همکاران، ۲۰۱۷).

امروزه بخش عظیمی از مشکلات شخصی و اجتماعی افراد را می‌توان با نقض در خودمهارگری تبیین کرد. بنابراین، ظرفیت خودمهارگری برای بازداری از تکانه‌های ضد اجتماعی و سازگاری با خواسته‌های زندگی اجتماعی، نشان از زندگی متمدانه همراه با رضایت از زندگی و سلامت روانی دارد (تانگسی و همکاران، ۲۰۰۴).

از این رو، می‌توان این‌گونه عنوان کرد که افراد با ظرفیت‌های خودمهارگری رشد یافته، به‌هنگام رویارویی با استرس، در عوض توسل به رفتارهای تکانشی، پرخاطر و غیر اخلاقی، به‌ارزیابی شرایط و موقعیت پرداخته و با ظرفیت‌های سازشی بهتری که در اختیار دارند، قادر به حل و فصل شرایط چالشی هستند. این امر از یک سو به‌عنوان سپری در برابر رفتارهای پرخاطر و ناسازگار شایع در شخصیت‌های سه‌گانه‌سیاه عمل می‌کند، و از

1 Jonason & Tost

2 Gino, et al,

3 Denson, et al,

4 Converse, et al,

5 Laird, et al,

6 Muraven

7 Lopez et al,

بررسی نقش واسطه‌ای تفکر غیرسازنده...

سویی دیگر با کارکرد بهتر در تکالیف شغلی موجب رضایت بیشتر فرد از شغل و زندگی می‌شود. همچنین براساس دیگر یافته‌های این پژوهش اگرچه تفکر غیرسازنده می‌تواند در رابطه‌ی بین استرس ادراک‌شده و سه‌گانه‌سیاه نقش واسطه‌ای بازی کند، اما خودمهارگری به‌مراتب نقشی مهم‌تر از تفکر غیرسازنده بازی می‌کند. بدین ترتیب می‌توان انتظار داشت در صورتی که در محیط‌های کاری صنعتی، مداخلات مناسب جهت کاهش تفکر غیرسازنده و نیز افزایش خودمهارگری افراد، در سطح فردی انجام گیرد، علی‌رغم استرس‌های بسیار زیاد چنین محیط‌هایی، شاهد کاهش رفتارهای غیراخلاقی، از قبیل قدرت‌طلبی، جامعه-ستیزی و خودشیفتگی خواهیم بود.

یکی از محدودیت‌های این پژوهش استفاده از نمونه‌گیری دردسترس است که می‌تواند خطر معرف نبودن نمونه را به‌دنبال داشته باشد. علاوه بر استفاده از نمونه‌گیری در دسترس، محدودیت نهفته و ذاتی در فنون خودسنجی نیز از دیگر محدودیت‌های این مطالعه است. پیشنهاد می‌شود که در پژوهش‌های آتی از روش‌های متنوع دیگری نظیر مصاحبه، القای هیجان و استرس، مشاهده رفتار و آماده‌سازی^۱ در زمینه استرس ادراک‌شده مورد استفاده قرارگیرد. همچنین فنون روش‌شناختی دیگر نظیر مطالعات کیفی در این زمینه می‌تواند علاوه بر تصویر کمی ارائه‌شده، شناخت عمیق‌تری از افراد و فرایندهای ذهنی دخیل در تفکر سازنده و فرایندهای خود شناختی را موجب شود. همچنین پیشنهاد می‌شود در سازمان‌های دولتی و نیمه دولتی دارای مشاغل پراسترس، از دوره‌های آموزشی و مداخلاتی مناسب برای ارتقای وضعیت خودمهارگری و نهادینه‌سازی سبک‌های تفکر سازگاران بهره برده شود.

منابع

- اعتباریان، اکبر و پورولی، زینب (۱۳۸۷). تعیین رابطه‌ی میان خود کنترلی و استراتژی‌های حل تعارض در بین کارکنان اداری دانشگاه آزاد خوراسگان (اصفهان)، *مجله ره‌یافتی نو در مدیریت آموزشی*، شماره ۱(۲)، صفحات ۱۱۳-۱۳۳.
- آقا بابایی، ناصر؛ تیبک، محمد تقی و حاتمی، جواد (۱۳۹۳). رابطه‌ی صبر با شخصیت، سلامت روانی و رضایت از زندگی، *مجله پژوهش‌های کاربردی روان‌شناختی*، شماره ۵(۲)، صفحات ۱۷-۲۸.
- بشارت، محمد علی و فیاض، فاطمه (۱۳۹۲). مقایسه سبک‌های مهارگری در افراد افسرده بالینی، افسرده غیربالینی و افراد به‌هنگار، *مجله پژوهش‌های کاربردی روان‌شناختی*، شماره ۴(۱)، صفحات ۱۳-۲۴.
- بشارت، محمدعلی؛ دهقانی، سپیده؛ مسعودی، مرضیه؛ پورخاقان، فاطمه و مطهری، سجاد (۱۳۹۳). پیش‌بینی نشانه‌های اختلال وسواس فکری-عملی براساس دشواری تنظیم هیجان، تکان‌شوری و خشم، *مجله پژوهش‌های کاربردی روان‌شناختی*، شماره ۵(۴)، صفحات ۲۹-۴۹.
- شکوهی‌یکتا، محسن؛ اکبری‌زردخانه، سعید؛ علوی‌نژاد، ثریا و سجادی‌اناری سعید (۱۳۹۵). تأثیر آموزش مهارت‌های روانی اجتماعی بر مدیریت استرس شغلی و روان‌شناختی رانندگان اتوبوس، *مجله پژوهش‌های کاربردی روان‌شناختی*، شماره ۷(۱)، صفحات ۱۰۱-۱۱۴.
- صالح میرحسینی، وحیده؛ قربانی، نیما؛ علی پور، احمد و فرزاد، ولی‌الله (۱۳۹۵). نقش واسطه‌های فرایندهای

خودشناسی و خودمهارگری در رابطه‌ی استرس ادراک‌شده و عینی با اضطراب، افسردگی، و علائم جسمانی آتش‌نشانیها، پژوهش در سلامت روان‌شناختی، دوره دهم، شماره ۳، صفحات ۱-۱۵.

غلامعلی‌لوانسانی، مسعود؛ افضل‌ی، لیلا و داودی، مریم (۱۳۹۵). فرسودگی شغلی پرستاران: نقش هوش هیجانی، هوش معنوی و سخت‌کوشی، مجله پژوهش‌های کاربردی روان‌شناختی، شماره ۷(۲)، صفحات ۱-۱۶.

کاشانکی، حامد؛ قربانی، نیما و حاتمی، جواد (۱۳۹۵). بررسی ارتباط فرونشانی احساسات و علائم جسمانی و روانی با توجه به نقش خودشناسی انسجامی، به‌هوشیاری و شفقت خود، جامعه‌پسندی و خودمهارگری، مجله پژوهش‌های کاربردی روان‌شناختی، شماره ۷(۳)، صفحات ۵۵-۷۰.

کاکاوند، علیرضا؛ لبادی زهرا و زارعی، شکرانه (۱۳۹۲). رابطه‌ی بین کمال‌گرایی و سبک‌های شناختی در دانش‌آموزان دختر دبیرستانهای شهر کرج، مجله روان‌شناسی تربیتی (روان‌شناسی و علوم تربیتی)، شماره ۹ (۲۷)، صفحات ۲۷-۴۸.

Aghababaei, N., Mohammadtabar, S., & Saffarinia, M. (2014). Dirty Dozen vs. the H factor: Comparison of the Dark Triad and Honesty-Humility in prosociality, religiosity, and happiness. *Personality and Individual Differences*, 67, 6-10

Ali, F., & Chamorro-Premuzic, T. (2010). Investigating theory of mind deficits in nonclinical psychopathy and Machiavellianism. *Personality and Individual Differences*, 49(3), 169-174.

Barlow, A., Qualter, P., & Stylianou, M. (2010). Relationships between Machiavellianism, emotional intelligence and theory of mind in children. *Personality and Individual Differences*, 48(1), 78-82.

Blair, C. Helland., K. Walton., B, (2017) "Leaders behaving badly: the relationship between narcissism and unethical leadership". *Leadership & Organization Development Journal*, Vol. 38 Issue: 2, pp.333-346.

Burns, L. R & Fedewa, B. A (۲۰۰۵), *cognitive styles: link with perfectionistic thinking*, grand valleg state university, Allendale, MI, ۴۹۴۰۱, united states, published by Elseirer.

Cain, N. M., Pincus, A. L., & Ansell, E. B. (2008). Narcissism at the crossroads: Phenotypic description of pathological narcissism across clinical theory, social/personality psychology, and psychiatric diagnosis. *Clinical psychology review*, 28(4), 638-656.

Cohen, A. (2016). Are they among us? A conceptual framework of the relationship between the dark triad personality and counterproductive work behaviors. *Human Resource Management Review*, 19(2).

Cohen, S., Kamarck, T., & Mermelstein, R. (1983). A global measure of perceived stress. *Journal of health and social behavior*, 385-396.

Converse, P. D., Pathak, J., Quist, J., Merbedone, M., Gotlib, T., & Kostic, E. (2010). Statement desirability ratings in forced-choice personality measure development: implications for reducing score inflation and providing trait-level information. *Human Performance*, 23(4), 323-342.

Del Gaizo, A. L., & Falkenbach, D. M. (2008). Primary and secondary psychopathic-traits and their relationship to perception and experience of emotion. *Personality and Individual Differences*, 45(3), 206-212.

Denson, T. F., Capper, M. M., Oaten, M., Friese, M., & Schofield, T. P. (2011). Self-control training decreases aggression in response to provocation in aggressive

- individuals. *Journal of Research in Personality*, 45(2), 252-256.
- Dickinson, K. A., & Pincus, A. L. (2003). Interpersonal analysis of grandiose and vulnerable narcissism. *Journal of personality disorders*, 17(3), 188.
- Duckworth, A. L., & Seligman, M. E. (2006). Self-discipline gives girls the edge: Gender in self-discipline, grades, and achievement test scores. *Journal of educational psychology*, 98(1), 198.
- Epstein, S. (1998). *Constructive thinking: The key to emotional intelligence*. Greenwood Publishing Group.
- Epstein, S., & Meier, P. (1989). Constructive thinking: A broad coping variable with specific components. *Journal of personality and social psychology*, 57(2), 332.
- Fehr, B., Samsom, D., & Paulhus, D. L. (1992). The construct of Machiavellianism: Twenty years later. In C. D. Spielberger & J. N. Butcher (Eds.), *Advances in personality assessment (Vol.9, pp.77-116)*. Hillsdale, NJ: Erlbaum.
- Ghorbani, N., Cunningham, C. J. L., Rezazadeh, Z., & Watson, P. J. (2010). Comparative analysis of integrative self-knowledge, mindfulness, and private self-consciousness in predicting responses to stress in Iran. *International Journal of Psychology*, 45, 147-154.
- Ghorbani, N., Watson, P. J., & Hargis, M. B. (2008). Integrative Self-Knowledge Scale: Correlations and incremental validity of a cross-cultural measure developed in Iran and the United States. *The Journal of Psychology*, 142(4), 395-412.
- Gino, F., Schweitzer, M. E., Mead, N. L., & Ariely, D. (2011). Unable to resist temptation: How self-control depletion promotes unethical behavior. *Organizational Behavior and Human Decision Processes*, 115(2), 191-203.
- Hare, R. D. (1996). Psychopathy a clinical construct whose time has come. *Criminal justice and behavior*, 23(1), 25-54.
- Harrel, W. A. (1980). Retaliatory Aggression by High and Low Machiavellians against Remorseful and Non-remorseful Wrongdoers. *Social Behavior & Personality: an International Journal*, 8, 217-220.
- Harrison, A., Summers, J., Mennecke, B. (2017). The Effects of the Dark Triad on Unethical Behavior. *Journal of Business Ethics*, pp 1-25.
- Jonason, P. K., & Tost, J. (2010). I just cannot control myself: The Dark Triad and self-control. *Personality and Individual Differences*, 49(6), 611-615.
- Jonason, P. K., & Webster, G. D. (2010). The dirty dozen: a concise measure of the dark triad. *Psychological assessment*, 22(2), 420.
- Joshua C.Palmer Steven J.Karau, D. (2017). Can perceived organizational support moderate the relationship between the Dark Triad traits and counterproductive work behavior. *Personality and Individual Differences, Volume 110, Pages 31-37*.
- Kumru, A., & Thompson, R. A. (2003). Ego identity status and self-monitoring behavior in adolescence. *Journal of Adolescent Research*, 18(5), 481-495
- Laird, R. D., Marks, L. D., & Marrero, M. D. (2011). Religiosity, self-control, and antisocial behavior: Religiosity as a promoter and protective factor. *Journal of Applied Developmental Psychology*, 32(2), 78-85.
- Latham, L. L., & Perlow, R. (1996). The Relationship of Client-Directed Aggressive and Nonclient-Directed Aggressive Work Behavior with Self-Control. *Journal of Applied Social Psychology*, 26(12), 1027-1041.
- Lopez, JMR. Sakhel, A., Busch, T. (2017). The present, exploratory study examined bright-side personality trait (NEO-PI-R and MBTI) and dark-side trait (HDS) differences between middle to senior managers. *European Management Journal*, 29, 546-560.
- Luhtanen, R. K., & Crocker, J. (2005). Alcohol use in college students: effects of level of

- self-esteem, narcissism, and contingencies of self-worth. Psychology of Addictive Behaviors, 19(1), 99.*
- Mahmut, M. K., Homewood, J., & Stevenson, R. J. (2008). The characteristics of non-criminals with high psychopathy traits: Are they similar to criminal psychopaths. *Journal of Research in Personality, 42(3), 679-692.*
- Muraven, M. (2008). Autonomous self-control is less depleting. *Journal of Research in Personality, 42(3), 763-770.*
- Nakkas, C., adeghi Bahmani, D. S., Gerber, M., Holsboer-Trachsler, E., Brand, S. (2017). Vulnerable narcissism as key link between dark triad traits, mental toughness, sleep quality and stress. Springer International Publishing AG. Part of Springer Nature, 5(199), 119- 137.
- Noser, A. E., Zeigler-Hill, V., & Besser, A. (2014). Stress and affective experiences: The importance of dark personality features. *Journal of Research in Personality, 53, 158-164.*
- Perrewé, P. L., Hochwarter, W. A., Rossi, A. M., Wallace, A., Maignan, I., Castro, S. L.,... & Wan, P. (2002). Are work stress relationships universal? A nine-region examination of role stressors, general self-efficacy, and burnout. *Journal of International Management, 8(2), 163-187.*
- Pincus, A. L., & Lukowitsky, M. R. (2010). Pathological narcissism and narcissistic personality disorder. *Annual Review of Clinical Psychology, 6, 421-446.*
- Pincus, A. L., & Roche, M. J. (2011). Narcissistic grandiosity and narcissistic vulnerability. *Handbook of narcissism and narcissistic personality disorder, 31-40.*
- Pincus, A. L., Ansell, E. B., Pimentel, C. A., Cain, N. M., Wright, A. G., & Levy, K. N. (2009). Initial construction and validation of the Pathological Narcissism Inventory. *Psychological assessment, 21(3), 365.*
- Richardson, E. N., & Boag, S. (2016). Offensive defenses: The mind beneath the mask of the dark triad traits. *Personality and Individual Differences, 92, 148-152.*
- Roczniewska, M., Bakker, AB. (2016). Who seeks job resources, and who avoids job demands? The link between dark personality traits and job crafting, *The Journal of psychology Taylor & Francis, 23, 34-45.*
- Ronningstam, E. (2009). Narcissistic personality disorder: Facing DSM-V. *Psychiatric Annals, 39(3).*
- Subramaniam, V. M. (2009). The relationship between Machiavellianism and job involvement among employees in an airline company in Malaysia.
- Tangney, J. P., Baumeister, R. F., & Boone, A. L. (2004). High self-control predicts good adjustment, less pathology, better grades, and interpersonal success. *Journal of personality, 72(2), 271-324.*
- Verkuil, B., Brosschot, J. F., de Beurs, D. P., & Thayer, J. F. (2009). Effects of explicit and implicit perseverative cognition on cardiac recovery after cognitive stress. *International Journal of Psychophysiology, 74(3), 220-228.*
- Wai, M., & Tiliopoulos, N. (2012). The affective and cognitive empathic nature of the dark triad of personality. *Personality and Individual Differences, 52(7), 794-799.*

